

درام روان‌شناختی با نشان دادن رفتارهای تند و چالش‌های اخلاقی پیچیده، موفق شده است تا تنش و بحران‌های درونی شخصیت‌ها را به صورت واقعی به نمایش بگذارد. «گردن زنی» با تأکید بر روابط بین فردی و تصمیمات اخلاقی دشوار، فضای خاصی ایجاد کرده است که برخی از مخاطبان آن را جذاب و هیجان‌انگیز دانسته‌اند. این سریال، که به طور عمده بر خشونت و انتقام‌جویی تمرکز دارد، می‌تواند با سکس‌های پرهیجان خود، تجربه‌ای متفاوت از تماشای سریال‌های روان‌شناختی برای مخاطب فراهم کند.

محمد رضا مقدسیان در نقد سریال گردن زنی به ضعف‌های اساسی این اثر پرداخته است. او ابتدا به مشکلات شخصیت‌پردازی اشاره می‌کند و معتقد است شخصیت‌های سریال عمق و باورپذیری لازم را ندارند و بیشتر درگیر رفتارهای اغراق‌آمیز و غیرمنطقی هستند. این موضوع باعث می‌شود مخاطب نتواند با شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند و از درگیری عاطفی با داستان باز بماند.

مقدسیان تأکید دارد که این ضعف در شخصیت‌پردازی نتیجه عدم تلاش کارگردان برای نزدیک کردن شخصیت‌ها به زندگی واقعی و ملموس مخاطب است.

در ادامه، او روایت سریال را سطحی و کلیشه‌ای می‌داند. داستان سریال به جای ارائه یک روایت نوآورانه، به موضوعات تکراری مانند اختلاف طبقاتی و نمایش زندگی‌های لوکس پرداخته است. اما این موضوعات به شکل عمقی پرداخت نشده و بیشتر به صورت سطحی و نمایشی باقی مانده‌اند. از نظر مقدسیان، تضادهای اجتماعی که قرار بود یکی از محورهای اصلی سریال باشد، به خوبی به تصویر کشیده نشده و این تلاش کارگردان برای انتقال پیام‌های اجتماعی شکست خورده است.

در نهایت، مقدسیان نتیجه می‌گیرد که گردن زنی نه تنها نتوانسته پیام اجتماعی عمیق و اثرگذاری ارائه دهد، بلکه با تکیه بر کلیشه‌های خسته‌کننده و نمایش زندگی‌هایی غیرقابل دسترس، حس بیگانگی در مخاطب ایجاد کرده است. این نقدها نشان می‌دهند که سریال در جذب مخاطب و ارائه یک اثر ماندگار موفق عمل نکرده است.

### در انتهای شب؛ روایت بحران‌های درونی



«در انتهای شب» به طور عمده به مسائل درونی شخصیت‌ها و بحران‌های روان‌شناختی آن‌ها پرداخته و در قالب یک داستان عاطفی

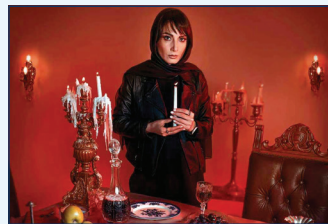
سریال، با پرداختن به مسائلی چون بحران‌های فردی، مشکلات اجتماعی و سیاسی و همچنین تأثیرات تصمیمات فردی بر زندگی انسان‌ها، توانسته است بینندگان را با خود همراه کند. یکی از ویژگی‌های برجسته این سریال، توجه ویژه به روابط اجتماعی و سیاسی در دل داستان است که موجب می‌شود مخاطب در کنار داستان شخصی داریوش، درگیری‌های اجتماعی و چالش‌های فرهنگی را نیز لمس کند. بازیگران قدرتمندی همچون پژمان جمشیدی در این سریال به ایفای نقش پرداخته‌اند که باعث تقویت تأثیر داستان بر مخاطب می‌شود.

سوسن سیرجانی درباره سریال داریوش معتقد است: طراح قصه «داریوش» نوبت محمودی است که معمولاً آثار او حول مسایل و مشکلات اجتماعی ساخته شده. اما حالا نویسندگی فیلم‌نامه به دست هادی حجازی‌فر سپرده شده. این موضوع باعث شده سلیقه حجازی‌فر بر طرح داستان سایه بیندازد و نتیجه کار یک درام اجتماعی با رگه‌های پررنگ طنز باشد. اتفاقی که نتیجه آن شیرینی کاراکتر اصلی و عام‌پسندی سریال است.

وی اضافه می‌کند: فیلمنامه سریال «داریوش» راوی داستانی سرگرم‌کننده با شخصیت‌هایی است که همه سیاه کامل یا سفید کامل نیستند. همین خاکستری بودن آنها است که ارتباط برقرار کردن با داستان را راحت‌تر می‌کند. قصه این سریال بر اساس یک شخصیت ضدقهرمان ساخته شده، شخصیتی که اشتباه می‌کند اما محبوب است.

این منتقد درباره نقاط ضعف سریال نیز می‌نویسد: ضعف بزرگی در کنار نقاط قوت قصه این سریال وجود دارد. حجازی‌فر برای شخصیت‌پردازی و معرفی کاراکترها به مخاطب مدام در سیکل‌های تکراری می‌افتد. مثلاً چندین بار ترسو بودن کاظم و داریوش که برادر هستند را به اشکال مختلف نشان می‌دهد. این تکرارها ممکن است شناخت مخاطب از کاراکتر را بالا ببرد و با او در شرایطی همذات‌پنداری کند، اما خط‌روایی اصلی داستان را مختل می‌کند و قصه مدام به عرض می‌رود.

### گردن زنی؛ نمایش تنش‌های روان‌شناختی



سریال «گردن زنی» به کارگردانی سامان سالور با پرداختن به موضوعات پیچیده روان‌شناختی و خشونت درونی شخصیت‌ها، توانسته است مخاطبان را درگیر فضای تاریک و پر تنش خود کند. این سریال در قالب یک

پیچیده‌ای به تصویر کشیده می‌شود. این سریال در کنار موضوعات خانوادگی، چالش‌های اجتماعی مختلفی را نیز مطرح می‌کند که با بررسی آن‌ها می‌توان به بحران‌های فردی و اجتماعی جامعه ایران پرداخت. بازیگران با توانمندی خود، این داستان را به شکلی جذاب و ملموس به تصویر می‌کشند و به مخاطب این فرصت را می‌دهند که احساسات و دغدغه‌های شخصیت‌ها را از نزدیک تجربه کند. «قهوه پدری» همچنین به خوبی توانسته است مشکلات اقتصادی و طبقاتی جامعه را به صورت غیرمستقیم اما بسیار مؤثر در داستان خود گنجانده و از این رو توانسته است واکنش‌های گسترده‌ای در میان تماشاگران ایجاد کند.

شهاب معظمی ضمن بر شمردن نقاط قوت این مجموعه درباره نقد آن می‌نویسد: عده‌ای از مخاطبان سریال را نپسندیدند. این مخاطبان به داستان سریال خرده گرفته‌اند. از نظر آنها داستان سریال مورد نقد است. داستان سریال ضعیف است. داستان از انسجام و قدرت کافی برخوردار نیست و هنوز نتوانسته مخاطب را حریصانه به دنبال خود بکشد. نکته دیگر این است که نویسنده و کارگردان سریال از هر چیزی برای خندان مخاطب استفاده کرده‌اند، در صورتی که می‌توانستند شوخی‌هایشان مثل سریال‌های قبلی بار معنایی بهتری داشته باشد. این منتقد اضافه می‌کند: بعضی از منتقدین دلیل ضعف بودن داستان سریال را غایب بودن برادران قاسم‌خانی در این پروژه می‌دانند. برادران قاسم‌خانی شخصیت‌های شناخته شده‌ای هستند که در کارهای مهران مدیری حضور مؤثر داشته‌اند. اکنون که نویسندگی به کسی غیر از آنها واگذار شده، ممکن است داستان تغییرات اساسی نسبت به داستانهای کارهای پیشین داشته باشند. بهرحال همانطور که عده‌ای طرفدار پر و پا قرص کارهای مدیری هستند چه با قاسم‌خانی‌ها چه بدون قاسم‌خانی‌ها عده‌ای فقط می‌توانند به فیلم‌هایی از مهران مدیری اعتماد کنند که نویسنده‌هایش برادران قاسم‌خانی باشد.

### داریوش؛ و تمرکز بر هویت جویی



«داریوش»، به کارگردانی هادی حجازی‌فر به عنوان یک سریال جدید، بیشتر بر موضوعات اجتماعی و هویت‌جویی در دوران معاصر تمرکز دارد. داستان این سریال حول محور زندگی فردی به نام داریوش است که در تقابل با مشکلات اجتماعی و سیاسی، تلاش می‌کند تا به هویت واقعی خود دست پیدا کند. این